سبک رفتار

فروش سنگ قبرهای چند میلیونی در آخر خط

سنگ نشان‌هایی که نشان از گم شدن راه دارد

■ زهرا چیذری

اینجا ظاهراً پایان راه است. مسیری که قرار است همه ما طی کنیم و دیر یا زود امروز یا فردا من و تو هم باید در یکی از این خانه‌های ابدی مسکن بگیریم و برای همیشه با دنیا خداحافظی کنیم. قصه غرق شدن ما در دنیا و تجملات آن اما انگار پایانی ندارد. با سر زدن به آرامستان بهشت زهرا(س) و نگاهی به مزارهای درگذشتگان هم می‌توانید حدس بزنید کدام یک از این اموات پولدار و کدام یک فقیرند. اینجا هم با وجود آنکه آخر راه است اما مناطق مرفه‌نشین و فقیرنشین دارد.

■■■

■ **طبقه‌بندی ساکنان شهر خاموش**

حالا چند سالی می‌شود با سر زدن به آرامستان‌ها، می‌توان در این مکان یعنی درست در آخرین ایستگاه دنیا هم تفاوت میان فقیر و غنی را به روشنی ملاحظه کرد. با نگاهی به آدرس خانه آخرت اموات می‌توان حدس زد متوفی ثروتمند بوده یا فقیر. بعضی‌ها فقط حاضرند در مقبره‌های خانوادگی دفن شوند؛ جایی که به نوعی منطقه ثروتمندنشین بهشت زهرا(س) و شهر اموات محسوب می‌شود. همه می‌دانند این مقبره‌ها اغلب برای از ما بهتران است. بعضی‌ها هم به دنبال خاکسپاری اموات‌شان در قطعات قدیمی و گران بهشت زهرا(س) هستند و برای این منظور میلیون‌ها تومان پول خرج می‌کنند. افرادی هم هستند که حاضرند برای دفن عزیزانشان در اماکن مقدس بالای ۱۰۰ میلیون تومان پول بپردازند. گروهی دیگر اما با مرگشان در یکی از همان قبرهای معمولی و در قطعات جدید به خاک سپرده می‌شوند. این گروه آخری یا پول کمتری دارند و یا بازماندگانشان ترجیح می‌دهند پول کمتری برای اموات‌شان خرج کنند و یا بازماندگانشان به این باور رسیده‌اند که هزینه‌های میلیونی برای خرید قبر در مناطق مربوط به اموات مرفه می‌تواند گره کار خیلی از افراد را باز کند و نقش بیشتری در آزادی روح و آمرزش اموات‌شان دارد!

تفاوت اموات و نمایش ثروت بازماندگانشان اما به همین جا ختم نمی‌شود. فرقی ندارد به قطعات جدید بروید یا قطعات قدیمی بهشت زهرا؛ دیگر به سختی می‌توان سنگ مزارهای ساده‌ای را که سازمان بهشت زهرا روی مزار کار می‌گذارد مشاهده کرد. حتی گاهی همین نشانه‌های ظاهری مانند سنگ قبر و قطعه دفن اموات می‌شود معیاری برای قضاوت کردن بازماندگانشان. خلاصه اینکه در آخرین ایستگاه زندگی هم انگار قرار نیست خیلی از ما متوجه شویم اینجا آخر خط است.

■ **نمای خانه‌های آخرت از نگاه اهل دنیا**

نماهای ساختمان‌ها یکی از راه‌هایی است که می‌توان به کیفیت و امکانات آنها پی برد. اگر در کار ساخت‌وساز و املاک باشید حتی از روی همین نمای روکار ساختمان، سن و سال آن هم دستتان می‌آید. هر دورانی یک مدل نما مد می‌شود و ساختمان‌ها به تناسب دارایی مالکان و سازندگانشان از یکی از این نماسازی‌ها استفاده می‌کنند. یک دورانی نمای سنگ سفید نشانه‌ای از مدرن بودن یک ساختمان داشت و در دورانی دیگر آجرهای سه‌سانتی بر نمای ساختمان‌های جدید و پرطرفدار خودنمایی می‌کرد. قدیم‌ترها اما نمای تمام خانه‌ها کاه‌گلی و بعدها سیمانی یا آجر بهمنی بود؛ چه خانه ثروتمندان و چه خانه فقرا.

حالا این ماجرا به نمای بیرونی خانه‌های آخرت هم سرایت کرده است. دیگر مثل گذشته نیست که وقتی به آرامستان‌ها می‌روید بتوانید در ایستگاه آخر زندگی یکرنگی را مشاهده کنید. حالا چند سالی می‌شود کمتر مزاری سنگ‌های ساده و کوچک بهشت زهرا رویش دیده می‌شود و اغلب افراد ترجیح می‌دهند سنگ مزار عزیزانشان متفاوت باشد و از اوضاع و احوال بازماندگان هم خبرهایی به بیننده‌های این سنگ‌ها بدهد.

■ **بازاریابی سنگ قبر، شغلی تازه در آرامستان‌ها**

یکی دیگر از نمادهای نمایش ثروت سنگ‌هایی است که روی مزار اموات قرار داده می‌شود. بازار سنگ‌های مزار آنچنان داغ شده است که وقتی برای قرائت فاتحه بر سر مزار اموات تازه درگذشته بروید با ده‌ها بازاریاب مواجه می‌شوید که می‌خواهند شما را برای عوض کردن سنگ مزار عزیزانتان ترغیب کنند و ضلع جنوبی بهشت زهرا ده‌ها باب مغازه در کار سنگ مزار فعالیت می‌کنند که اگر به سراغشان بروید متوجه می‌شوید کار و بارشان برای تزئین روکار خانه آخرت حسابی سکه است.

■ **عکس‌های آتلیه‌ای روی سنگ نشان خانه آخرت**

انگار به نمایشگاه حجاری روی سنگ آمده‌اید. برخی ترجیح داده‌اند عکس‌های آتلیه‌ای را برای انداختن روی سنگ قبر عزیزانشان استفاده کنند؛ عکس‌هایی که اگر صاحبانشان می‌توانستند اظهار نظر کنند بی‌تردید راضی به استفاده از آنها روی سنگ قبر نبودند. به سراغ سنگ‌فروش‌ها می‌روم تا از چند و چون قیمت و شرایط سنگ‌ها بپرسم. اولین فروشنده سنگ می‌پرسد؟ «سنگی می‌خوای که ۲۰ سال برات عمر کنه یا سنگی که دو سه ساله خراب بشه؟» با خودم فکر می‌کنم آیا من تا ۲۰ سال دیگر زنده‌ام؟ اصلاً تا ۲۰ ثانیه دیگر! به سراغ سنگ‌هایی می‌رود که تکیه به دیوار مغازه زده و به ردیف ایستاده‌اند. گرانیت نطنز اصفهان، گرانیت سیمین اصفهان، گرانیت برزیلی، مرمر سفید هرات، مرمر سفید مالزی و... انواع و اقسام سنگ‌هایی هستند که قرار است نشان مزار ما باشند. ارزان‌ترین مدل سنگ مزار گرانیت نطنز اصفهان است که حدود ۵۰۰،۶۰۰ هزار تومان قیمت دارد و گران‌ترین نوع سنگ قبر سنگ شبق است که قیمت آن از ۴ میلیون تومان شروع می‌شود. در این میان هستند افرادی که حاضرند ۱۸ میلیون تومان فقط برای سنگ مزار هزینه کنند.

راستی با ۱۸ میلیون تومان پول به جز خرید سنگ قبر چه کارهای دیگری می‌توان انجام داد؟

■ **آنچه را دست‌هایمان پیش می‌فرستند**

حجت‌الاسلام علی واشقانی فراهانی در گفت‌وگو با «جوان» درباره تأثیر قبر و سنگ قبر در احوال اموات می‌گوید: کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ رَهِینَةٌ «هر کسی در گرو دستاورد خویش است». غیراز اعمال انسان هیچ چیزی در شرایط اموات تأثیری ندارد و حتی وجود مقدس پیامبر نیز تأثیری در جایگاه انسان‌ها ندارد و شفاعت هم شرایطی دارد و به اذن خداوند انجام می‌گیرد.

این روحانی با اشاره به مجالس پر زرق و برق عزا و تشریفاتی همچون سنگ قبر و یا قبرهای چندین میلیونی می‌افزاید: اینگونه مسائل نه فقط اثری در وضعیت اموات ندارد بلکه در مواردی ممکن است اثر معکوس داشته باشد چراکه با چنین پول‌هایی می‌توان بسیاری از افراد را از گرفتاری‌های سخت نجات داد.

به باور حاج‌آقا فراهانی «چو می‌بینی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشینی گناه است» بر این اساس در حالی که هستند دختران دم بختی که به خاطر نداشتن جهیزیه نمی‌توانند به خانه بخت بروند یا جوانی که می‌تواند به دانشگاه برود و برای خودش کسی شده و به مردم و مملکت خدمت کند اما به دلیل مشکلات مادی از ادامه تحصیل جا می‌ماند. بدیهی است که صرف هزینه‌های میلیونی برای سنگ قبر، مراسم ختم و یا خرید قبر روا به نظر نمی‌رسد.

بنا به تأکید این روحانی حتی زمان و مکان هم در حالات اموات تأثیر ندارد؛ اینکه مثلاً کسی در روز شهادت بمیرد یا در کنار حرم ائمه و بزرگان به خاک سپرده شود هیچ کدام نمی‌تواند در احوال شخص تأثیر بگذارد و فقط اعمال انسان‌هاست که با آنها می‌ماند و در تعیین جایگاهشان بعد از مرگ اثرگذار است.

■ **سنگ مزار من چه شکلی خواهد بود؟**

در میان خانه‌های آخرت که حالا همانند خانه‌های دنیایی‌مان چند طبقه و آپارتمانی شده‌اند راه می‌روم. تصویر خانه‌هایی که بی‌تردید من نیز روزی در یکی از آنها آرام خواهم گرفت. بر سر مزار تازه‌ای می‌رسم و می‌ایستم تا فاتحه‌ای بخوانم و به آینده محتوم خود نگاهی بیندازم که صدایی مرا از خودم خارج می‌کند «خانم اگر خواستید قسطی هم براتون سنگ می‌اندازیم‌ها»؛ جوانی است که کارت ویزیتش را به سمتم دراز کرده است. کارت را می‌گیرم. راستی سنگ مزار من چه شکلی خواهد بود؟

انگار به نمایشگاه حجاری روی سنگ آمده‌اید. برخی ترجیح داده‌اند عکس‌های آتلیه‌ای را برای انداختن روی سنگ قبر عزیزانشان استفاده کنند؛ اولین فروشنده سنگ می‌پرسد؟ «سنگی می‌خوای که ۲۰ سال برات عمر کنه یا سنگی که دو سه ساله خراب بشه؟» با خودم فکر می‌کنم آیا من تا ۲۰ سال دیگر زنده‌ام؟ اصلاً تا ۲۰ ثانیه دیگر! گران‌ترین نوع سنگ قبر سنگ شبق است که قیمت آن از ۴ میلیون تومان شروع می‌شود. در این میان هستند افرادی که حاضرند ۱۸ میلیون تومان فقط برای سنگ مزار هزینه کنند

نگاه

تو هم منتظرش نباشی او منتظر توست

زندگی وقت اضافه ندارد

چقدر منتظرش هستی؟ اصلاً هیچ وقت به آن فکر می‌کنی؟ می‌دانی چقدر انتظار برای این بخش از زندگی بر کیفیت چگونه زندگی کردنت اثر دارد؟ درباره اطرافیانت چطور؛ چقدر به این می‌اندیشی که قرار نیست هیچ کس هر قدر هم دوستت داشته باشد تا همیشه در کنارت بماند؛ نه همراه و شریک زندگی‌ات و نه حتی پدر و مادرت. مهم‌ترین واقعه زندگی من، تو و همه موجودات هستی یعنی «مرگ» به سراغ من می‌آید و هم به سراغ تو و هم به سراغ تمام اطرافیان و دوستانت و عزیزانت. چه منتظرش باشی و چه نباشی.

نمی‌دانم چرا ما آدم‌ها با هر چه که ما را در چالش بیندازد مبارزه می‌کنیم و نمی‌خواهیم آن را بپذیریم و به آن فکر کنیم. یکی از آن چیزهایی که با وجود آنکه ملموس‌ترین واقعیت پیرامون ماست کمتر به آن فکر می‌کنیم و حتی از صحبت درباره آن فرار می‌کنیم «مرگ» است. این در حالی است که مرگ ممکن است در هر لحظه‌ای به سراغ هر یک از ما بیاید چه برای پذیرفتنش آماده باشیم و چه در برابر حضورش غافلگیر شویم.

■■■

■ **زمستان عمر هم زیباست**

بهار اگرچه آغاز است و نشانه‌ای برای زندگی اما اگر بنا بود بهار هم تا ابد ادامه یابد دیگر معنای بهار بودنش را از دست می‌داد. زیبایی بهار با تفاوتش با دیگر فصل‌هاست که خودنمایی می‌کند همانگونه که تابستان زیبایی‌های خود را دارد و پاییز و زمستان. زمستان هم اگر ثمر داشته باشد زیباست. بارش دانه‌های سفید برف از آسمان و تن خشک و عریان درختان که حالا به جای برگ از برف پوشیده می‌شود و منظره متفاوتی از زندگی را به تصور می‌کشد. حکایت عمر ما آدم‌ها هم درست شبیه حکایت تغییر فصل‌هاست. نوجوانی و جوانی بهار و تابستان عمر است و وقتی پا به سن می‌گذاری به پاییز و زمستان عمرت می‌رسی. هر چند هر جای این مسیر که باشی ممکن است مرگ به سراغت بیاید و آغاز دیگری را برایت رقم بزند. اینکه چگونه روزهای عمرت را سپری کنی در نگاه تو به این فصل‌ها و دیدن زیبایی هر کدام از آنها اثرگذار است. زندگی‌ات که ثمر داشته باشد زمستانش هم زیباست.

■ **گاهی به مرگ هم فکر کن**

اغلب ما آنقدر در روزمرگی‌هایمان گم شده‌ایم که بیشتر وقت‌ها به تنها چیزی که فکر نمی‌کنیم مرگ است. اصلاً خیلی وقت‌ها به گونه‌ای رفتار می‌کنیم که انگار نه انگار قرار است مرگ به سراغ خودمان یا یکی از نزدیکانمان بیاید و ما را با خود به دنیایی دیگر ببرد. این در حالی است که مرگ هم بخش مهمی از زندگی است. اصلاً اگر مرگ نبود و بنا بود تا همیشه زندگی کنیم زندگی هم معنای خود را از دست می‌داد. هر آغازی پایانی دارد و پایان زندگی ما در این دنیا هم مرگ است. آنچه موجب می‌شود از مرگ بترسیم یا گریزان باشیم چگونگی زندگی کردن است که ما را در برابر مراحل دیگر زندگی‌مان دچار تردید و توهم می‌کند. آن وقت است که در مواجهه با حقیقتی مانند مرگ دست و پایمان را گم می‌کنیم و به هم می‌ریزیم. با آنکه از لحظه قدم گذاشتن در این دنیا بارها به ما گوشزد شده این آمدن به معنای ماندن نیست و رفتنی در پی دارد اما آنقدر در دریای فراموشی غرق می‌شویم که نمی‌اندیشیم قرار است ما هم برویم، قرار است عزیزانمان هم بروند. و اگر کمی به این رفتن بیشتر می‌اندیشیدیم بی‌تردید زندگی را به گونه‌ای دیگر معنا می‌کردیم. بی‌تردید صفاتی مانند حسادت، زیرآب‌زنی، بدخواهی، بدگویی، آزار و ظلم در زندگی کسانی که بیشتر به مرگ می‌اندیشند کمرنگ‌تر است، چراکه آنان می‌دانند ممکن است همین حالا مرگ به سراغ خودشان یا عزیزانشان یا حتی کسانی که به آنها ظلم کرده‌اند و اصلاً دوستشان ندارند بیاید، بی‌آنکه هیچ فرصتی برای جبران وجود داشته باشد.

سبک نگرش

اهمیت یاد مرگ در احادیث و روایات

مرگ، مرحله‌ای مهم از زندگی است

■ محمدمهدی نیک‌ضمیر

فکرش را نمی‌کرد به سراغ او هم می‌آید؛ آخر سنی نداشت. حتی سابقه‌ای از بیماری و یا لااقل گاهی ناخوش احوالی و ناتوانی. همیشه یا همه چیز بر وفق مرادش بود و اگر نبود دنیا را به‌هم می‌ریخت و زمین و آسمان را به‌هم می‌دوخت تا آنچه اراده کرده انجام شود. به همین خاطر هم بود که خیلی راحت برای رسیدن به مقصودش که خیلی وقت‌ها زیر آب زنی و آزار و اذیت دیگران بود دروغ می‌گفت. گاهی وقت‌ها هزار دوز و کلک سر هم می‌کرد تا سر دیگران را کلاه بگذارد. از همین راه هم توانسته بود برای خودش جایگاه و وضعیت اقتصادی خوبی دست و پا کند و برای خودش برو بیایی داشته باشد. پیش خیلی‌ها اعتبار داشت؛ اعتباری از جنس دلار و ریال! به همین خاطر هم بود که وقتی او را می‌دیدند به خودش که نه به کت و شلوار و ساعت مارک و ماشین قیمتی‌اش تعظیم می‌کردند. او که خودش هم از همین مسیر حرکت کرده بود و به این مقصد رسیده بود خوب جنس این احترام‌ها و تعظیم‌ها را می‌دانست و فقط در برابر افرادی روی خوش نشان می‌داد که می‌توانستند در نردبان پیشرفتش پله‌ای باشند و یا راهی برایش باز کنند. اما از کنار هر کسی که نمی‌توانست برایش دلار یا ریال فراهم کند و راهش را به سمت و سوی سودهای کلان باز کند با بی‌تفاوتی می‌گذشت حتی اگر خیلی به او احتیاج داشتند و یا این افراد از نزدیک‌ترین کسانش بودند. خلاصه اینکه حساب‌های بانکی‌اش پر بود و آنقدر حواسش به صورت‌حساب‌های جاری‌اش بود که اصلاً حواسش نبود ممکن است همین روزها، همین لحظه‌ها و اصلاً همین حالا به سراغش بیاید؛ مرگی که قرار نیست پیش از آمدنش کسی را خبر کند او را هم خبر نکرد.

■ **تولد و مرگ هر دو آغازی بر یک پایان**

تولد یک آغاز است؛ آغازی برای زندگی و رسیدن به مرگ. اصلاً شاید بتوان مرگ را هم یک آغاز دانست؛ آغازی برای ورود به دنیایی دیگر اما در این بین در این رهگذری که اسمش زندگی است خیلی اتفاقات به دست ما رقم می‌خورد که می‌تواند بر کیفیت مرگ و زندگی بعد از مرگمان تأثیر بگذارد. با وجود این اما خیلی‌هایمان آنقدر در زندگی غرق می‌شویم که اصلاً یادمان می‌رود ما در این دنیا فقط رهگذریم و قرار نیست تا ابد بمانیم.

به همین خاطر هم درست از همان بدو تولد به ما گوشزد می‌کنند این آغاز هم مانند هر آغاز دیگری پایانی دارد، برای این پایان آماده باش. در سبک زندگی اسلامی مرگ نه به عنوان یک پایان بلکه به عنوان یکی از مراحل زندگی ما آدم‌ها معرفی می‌شود بر همین اساس همیشه توصیه می‌شود تا به یاد مرگ باشیم و پیش از آنکه مورد محاسبه قرار بگیریم و به حسابمان برسند خودمان رفتار و اعمال خود را مورد بازبینی قرار دهیم و ببینیم در ترازوی اعمال خوب و بدمان چه می‌گذرد. دین مبین اسلام حتی برای این ترازو هم شاخص‌های روشنی را بیان کرده است. مهم‌ترین این شاخص‌ها این است که آنچه را برای خود می‌پسندی برای دیگران بپسند و آنچه را برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم مپسند. نسخه ساده و شفابخشی است هر چند خیلی وقت‌ها ما یادمان می‌رود این رفتاری را که با پدر، مادر، دوست، همسایه، همکار یا اصلاً با یک رهگذر در اتوبوس یا مترو داشتیم رفتاری است که اگر با خود ما انجام می‌شد به هیچ وجه زیر بار نمی‌رفتیم و ناراحت می‌شدیم اما وقتی در برابر دیگران قرار می‌گیریم گاهی وقت‌ها خودخواهی‌مان غالب می‌شود و یادمان می‌رود آنچه برای خود می‌پسندیم برای آنها هم بپسندیم.

■ **یاد مرگ در روایات**

«این شتری است که در خانه همه می‌خوابد» به همین خاطر هم در آیات قرآن و در روایات و احادیث نقل شده از معصومان همواره بر یاد مرگ توصیه شده زیرا یاد مرگ و رفتن از این دنیا تأثیر زیادی بر زندگی ما دارد. پیامبر(ص) می‌فرمایند: «مرگ را فراوان یاد کنید؛ زیرا هیچ بنده‌ای آن را بسیار یاد نکرد، مگر اینکه خداوند دلش را زنده گردانید و مردن را بر او آسان ساخت. (کنزالعمّال: ۴۲۱۰۵ منتخب میزان الحکمة: ۵۱۸)

امام صادق(ع) نیز فرمودند: «یاد مرگ، خواهش‌های نفس را می‌میراند و ریشگاه‌های غفلت را ریشه‌کن می‌کند و دل را با وعده‌های خدا نیرو می‌بخشد و طبع را نازک می‌سازد و پرچم‌های هوس را درهم می‌شکند و آتش حرص را خاموش می‌سازد و دنیا را در نظر کوچک می‌کند. (بحار الأنوار: ۶ / ۱۳۳ / ۳۲ منتخب میزان الحکمة: ۵۱۸)

امام کاظم (ع) وقتی نزد مردی رفت که در سکرات مرگ فرو رفته بود فرمود: مرگ صافی‌ای است که مؤمنان را از گناهانشان صاف می‌کند و آخرین دردی است که به عنوان کفاره آخرین گناهی که در وجودشان می‌باشد به آنها می‌رسد و کافران را نیز از حسناتشان صاف می‌سازد و آخرین خوشی یا آسایشی است که به عنوان آخرین پاداش حسنه‌ای که دارند، به ایشان می‌رسد.» (معانی الأخبار: ۶/۲۸۹ میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۹۵)

امام رضا (ع) از جدش رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: بسیار در یاد مرگ باشید و از مرگی که لذت‌ها را از بین می‌برد بترسید.

از این روایات می‌توان پی برد مرگ به خودی خود اتفاق ترسناک و بدی نیست. تلخی مرگ خود یا عزیزان و اطرافیان اغلب یا به دلیل انسی است که نسبت به این دنیا و یا یکدیگر داریم و یا به دلیل حق و تکلیفی که از انجام آن سر باز زده‌ایم و نسبت به یکدیگر احساس دین می‌کنیم. اما اگر همیشه به یاد مرگ باشیم و باور کنیم هر آنچه که امروز داریم شاید فردا نباشد، بیشتر قدر داشته‌هایمان را خواهیم دانست و با همدیگر مهربان‌تر رفتار می‌کنیم چراکه داشته‌هایمان فقط مربوط به امروز است.

■ **تنها چیزی که بعد از مرگ همراهمان است**

هنوز جنازه‌اش روی زمین بود که دعوای بازماندگان بر سر ارث و میراث آغاز شد. وقتی برای غسل و کفن به غسالخانه رفت از آن همه ثروت حتی کفنش هم مال خودش نبود. یک ریال از پول‌هایش را هم در قبرش نگذاشتند. اعمال و رفتارش اما تنها همراهی بود که حتی پس از گذاشتن سنگ‌های لحد و ریختن خاک روی قبر همراهش بودند. حتی وقتی که همه دوستان و آشنایان تنهایش گذاشتند و به سراغ جنگ و جدلشان برای تقسیم ارث و میراث رفتند، فقط اعمالش بودند که او را تا ابد همراهی می‌کردند.

هنوز جنازه‌اش روی زمین بود که دعوای بازماندگان بر سر ارث و میراث آغاز شد. وقتی برای غسل و کفن به غسالخانه رفت از آن همه ثروت حتی کفنش هم مال خودش نبود. یک ریال از پول‌هایش را هم در قبرش نگذاشتند. اعمال و رفتارش اما تنها همراهی بود که حتی پس از گذاشتن سنگ‌های لحد و ریختن خاک روی قبر همراهش بودند. حتی وقتی که همه دوستان و آشنایان تنهایش گذاشتند و به سراغ جنگ و جدلشان برای تقسیم ارث و میراث رفتند، فقط اعمالش بودند که او را تا ابد همراهی می‌کردند.